

## اتهامات دکان حکمتیست ها بر علیه حزب کمونیست ایران و کومه له

### سیروان پرتونوری

رحمان حسین زاده یکی از رهبران حکمتیست و بعضی از اعضایشان طی روزهای اخیر بنابه فرهنگ خودشان کلی اتهامات و فحش و ناسزاگویی غیر واقعی و بدون هیچ پایه و اساسی را به شیوه هیستریک بر روی کاغذ آورده و بر علیه سیاستهای کومه له و حزب کمونیست ایران انتشار داده اند که در اینجا جا دارد از دیدگاه خود در این مقاله کوتاه به آن پرداخته و جواب این اتهامات کینه توزانه و غیراخلاقی را بر علیه کومه له بدهم .

تهمتهای ناروا و غیر واقعی حکمتیست ها بر علیه کومه له از آنجا سر چشمه میگیرد که اخیراً در وبلاگ تریبون مارکسیسم مقاله ای تحت عنوان "وضعیت فعلی و گام های ضروری ( نکاتی در مورد جنبش دانشجویی و چپ)، منشتر شده است که به ارزیابی جنبش دانشجویی از مقطع 13 آذر تا به امروز پرداخته و نقاط ضعف و شکست های سنگین این جنبش و از آن مهمتر عاملین این شکست که حزب حکمتیست میباشد را مورد نقد و افشاگری قرار داده است . و گویا کومه له هم این مقاله را در سایت رسمی خود قرار داده است و خود یکی از پشت پرده های این وبلاگ که به تریبون جوان ربط دارد میباشد و این یکی از گناهان کبیر کومه له نزد حکمتیست ها شناخته شده و بهانه ای برای تهمت زدن و استفاده کردن از ادبیات غیر اخلاقی حکمتیست ها بر علیه کومه له در دست آنان قرار گرفته شده است .

حال باید ببینیم آیا قرار دادن مقاله ای که نزدیک به دو ماه قبل در درون خود جنبش دانشجویی رد و بدل شده است و در موردش هم اظهار نظر و موضع گیری شده است آیا دلیل بر این میباشد که حکمتیست ها با کمال پر رویی و بی شرمانه کلی اتهامات ناروا از جمله همسویی با وزارت اطلاعات رژیم و کمک به زیادتر شدن معلومات رژیم برای محکوم کردن رفقای دانشجویی داخل را به کومه له بچسبانند این اتهامات و ناسزاگویی ها و استفاده کردن از ادبیات غیر کمونیستی بر علیه کومه له فقط از درج این مقاله در سایت کومه له نبوده، این نوع ادبیات غیر سیاسی بر علیه گرایش سوسیالیستی در درون جامعه از سوی شاخه های کمونیسم کارگری تاریخی کهن دارد و از همان اوایل انشعاب و جدا شدن این گرایش از حزب کمونیست ایران و کومه له این نوع ادبیات ضد مارکسیستی همیشه و همه جا از جانب شاخه های کمونیسم کارگری با تمام جناح هایش بر علیه کومه له به کار گرفته شده است و فقط بهانه های این اتهام زدن ها تغییر میکند و هر بار تحت عنوان های مختلف بر علیه کومه له انجام میگیرد . رحمان حسین زاده و تمامی رهبران حکمتیست ها سالهاست از کومه له کینه به دل دارند و با انواع شیوه های غیر اخلاقی و اپورتونیستی خواسته اند از اعتبارات و محبوبیت کومه له در اذهان عموم و در درون جنبش چپ و کمونیستی ایران بکاهند و زیر پایش را خالی کنند ، چون بر خلاف تحلیل های پادروای تمامی رهبران کمونیسم کارگری در سالهای اوایل جدایی این گرایش از حزب کمونیست ایران و کومه له این تشکیلات با رفتن آنها دود نشد و هوا نرفت بلکه روز به روز با قدرت و سلابت و پشت کار به فعالیت کمونیستی خود به عنوان یک جریان چپ و کمونیست به فعالیتش ادامه داد و جریاناتی مانند حکمتیست با سیاست های غیر کمونیستی و انحرافی که میخواهند جنبش چپ در درون جامعه را به انحراف بکشانند و از آنها بمتابه یک ابزار ی برای مطرح کردن خود استفاده کنند، را به حاشیه راند. خطوط اصلی که این گرایش بر آن بنا شده است میراث فکری منصور حکمت است که هیچ نزدیکی با مارکسیسم و طبقه کارگر ندارد ، کسی که از کمونیسم منصور حکمت تغذیه میکند نمیتواند بیان کننده عادلانی برای بیان حقیقت باشد .

گفتار و کردار امروز حکمتیست ها در ارتباط با حزب کمونیست ایران و کومه له ادامه همان روش غیر مسئولانه گذشته آنها در مورد حزب کمونیست ایران و کومه له است . یکی از اختلافات ما در آن زمان بر سر این بود که گرایش

کمونیسم کارگری اگرچه ظاهراً چپ بود و مدام از کارگر و تشکیلات کارگری و رهبری کارگری سخن میگفت اما عملاً داشت جنبش کارگری کردستان و جنبش انقلابی مردم کردستان را تحویل حزب دمکرات و ناسیونالیسم کرد میداد . بسیار جالب است مغازه آقای حسین زاده که تخصص آن در زیگزاگ زدن است هر ماه یکبار تحلیلها و ارزیابی هایش را نه چندان زیر کانه عوض میکند ، حزبی که فاقد کوچکترین انسجام سیاسی و تاکتیکی است و امروز با تکرار کاریکاتور وار بحث های منصور حکمت خودشان را سر پا نگه داشته است حزب کسانی که در یک سالن جمع میشوند و بحث میکنند و حوصله شان از هم سر میرود و بعداً گرایشهایشان تقابل پیدا میکند و بعد مخالفانشان در همان سالن، ارتجاعی و حجاریانی و دوم خردادی و .... می شوند و بعد انشعاب میکنند چنین حزبی که گل سر سبد اپوزیسیون جمهوری اسلامی است آیا این دکان شاهد پایان عمر سیاسی حزب کمونیست ایران و کومه له است . به قول منصور حکمت آقا جدی باشید سیاسی باشید .

رحمان حسین زاده در بخشی دیگر از افاضاتش رهبری کومه له و حزب کمونیست ایران را محکوم میکند که گویا راست روی و سیاست انتظار، پاسیفیسم و ظاهر سازی تحلیلی و سیاسی برای آرایش سیما "حزب کمونیست ایران" رهبری کنونی کومه له را به جایی رسانده که غیر رسمی، غیر صریح به تئوریا و سیاستهای راست امثال ایرج آذرین تکیه میکند . در این جا جا دارد که بپرسم چه چیزی باعث شده که مقاله ای بدون نام فقط مربوط به یک سایت را به ایرج آذرین و اتحاد سوسیالیست کارگری ربط میدهند و با کمال پروپی این انسانها که مدت زیادی از عمرشان را در جهت به پیش بردن اهداف جنبش سوسیالیستی سپری کرده اند را به دستگاه سرکوب وزارت اطلاعات رژیم ربط میدهند و از این انسانها به عنوان یک گرایش راست در درون جنبش چپ ایران نام ببرد چرا وقتی که همین ایرج آذرین ها در درون حزب پا در هوای خویش بودند با همین نوع طرز تفکر و گرایش، راست نبودند و اطلاعاتی نبودند ولی امروز که از جریان شما جدا شده اند و راه در ست و واقعی خود را با ز یافته اند و دارند سیاستهای انحرافی تان را نقد و افشا میکنند یک شبه اطلاعاتی و راست شدند و انواع تهمت ها را نثارشان میکنند چرا تا آن وقت که در درون جریان کمونیسم کارگری بودند مارکس زمانه و یکی از تئورسین های مارکسیست بودند ولی بعد از نقد کردن از سیاست های انحرافی تان از جمله طرح بحث حزب و طبقه شما و تصرف قدرت سیاسی توسط حزبتان در کنگره دوم که رهبرتان حکمت اعلام میکرد اگر پنج در صد توده با حزب کمونیست کارگری باشد کمونیسم کارگری قدرت سیاسی را بدون دخالت طبقه در دست میگیرد ، و چگونه یکباره مورد هجوم شما قرار گرفتند آیا این نشانه اپورتونیست بودن گرایش شما نیست؟ جناب حسین زاده دستگاه کمونیست سنج شما زنگ زده شده بهمین دلیل ارزیابی هایتان در مورد کمونیست بودن یا کمونیست نبودن هر جریان و انسانی را بر عکس نشان میدهد . خوشبختانه غیر از مریدا نتان کسی شما را کمونیست به حساب نمیآورد تا جواز کمونیست بودنش را از دست شما و لیدرتان بگیرد . دیگر حناپتان زنگ باخته است و این استراتژی و پراتیک واقعی و عملی روزانه است که مشخص میکند چه جریانی کمونیست است و چه جریانی مالیخولیایی و هوچی، که شما به دور از استراتژی و پراتیک کمونیستی هستید . به قول لنین باید در لابلای جملات و گفتارها تعمق کرد و منافع طبقاتی را به خوبی تشخیص و تمیز داد.

جناب حسین زاده در ادامه موعزه خوانی و فرمایشات خود افزوده است که جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در فراز و نشیب مبارزاتی خود صف دوستان و مخالفان و دشمنان خود را بهتر خواهد شناخت. برای اطلاع ایشان باید بگویم که سیاستها و پراتیک کومه له در این ماجرا نزد این جنبش ثبت شده است . من این قضاوت را به خود جنبش واگذار میکنم تا خود در یک واقعیت عینی به دور از روزه خوانی شما این ارزیابی را بعمل آورد ولی تلویزیون و سایتها کومه له در این رابطه خیلی واضح و گویا مواضع ما را بیان میکنند و نیازی به نصیحت های پدر بزرگانه شما نخواهد داشت چون تلویزیون کومه له در طول دوران قبل از مراسم 13 آذر تا به حال یکی از نادرترین تلویزیونهای

بوده است که منعکس کنند ه ابعاد این جنبش و وحشی گریهای رژیم اسلامی در مقابل جنبش دانشجویی بوده است و ساعت به ساعت توده های مردم را از رویدادهای جنبش چپ دانشجویی، دستگیرها، آزاد شدن ها و اعتراضاتشان با خبر کرده و موضع خود را در قبال سیاستهای ضد انسانی رژیم در رابطه با جنبش های اجتماعی بیان کرده است ولی شما با اتخاذ تاکتیک های اپورتونیستی سوخته تان که به زیاله دان تاریخ رفته است و برای همه مبارزین بر ملا و افشا شده است میخواهید کومه له را در جلوی چشم جنبش به دور اندازید و نام و مبارزات زیادتیر از سه دهه این جریان چپ و سوسیالیست را که عملکرد مبارزاتیش برای جنبش چپ مشخص و تایید شده و با پراتیک سوسیالیستی خود ثابت کرده است که منافی جز از منافع طبقه نداشته است را از بین ببرید ولی متأسفانه آگه واقع بینانه به مسئله بپردازیم روی سیاه و سفید برای جنبش مشخص خواهد شد و پراتیک هر جریانی به شیوه واقعیت مشخص بوده و خواهد شد .

در چند روز گذشته هم رهبر کارتونی پژاک حاج احمدی عیننا این تهمت ها را به کومه له زده بود، رهبری حکمتیست از جمله رحمان حسین زاده با این مزخرفات پا در جای حاجی احمدی رهبر کارتونی پژاک می گذارد. و اما ببینیم دلیل این همه عصبانیت و پرخاشگری هیستریک فرقه حکمتیست چیست ؟ واقعیت این است که حکمتیست ها با اتخاذ سیاستها و رهنمودهایشان برای جنبش دانشجویی ، دستشان رو شده است . عملکرد آنها موجب وارد آمدن لطمات زیادی به جنبش دانشجویی گردیده است . این فرقه سکتاریست همیشه منافع جنبشها و توده های مردم را فدای منافع تشکیلات بی سر و ته و پا در هوای خودشان کرده اند . عملکرد و سیاستهای بی ربط آنها نسبت به جنبش دانشجویی مدتها ست برای رهبران سوسیالیست جنبش دانشجویی و کل این گرایش افشا شده و جنبش دانشجویی نه تنها آنها را بعنوان جریان مسئول و صاحب نظر به شمار نمی آورد بلکه برای هیچ یک از بیانات و اظهار نظرهای شان ارزشی قایل نیستند. فراخوان پیوستن دانشجویان به به اصطلاح گارد آزادی خیالیشان کافی بود که دانشجویان مبارز در میدان واقعی به ریششان بخندند.

اینها با این افتضاحاتی مه به بار آورده اند تیشه به ریشه شان خورده است و با این جارو جنجال و گرد و خاکی که پیا کرده اند می خواهند واقعیت این افتضاح را از چشم تشکیلات خودشان پنهان دارند تا بیشتر از این فرو نپاشند . اینها که امروز اتهام جاسوسی را به دیگران می زنند خود شان بدعت گذار این روش ها در جنبش چپ ایران بوده اند. سابقه کومه له در این رابطه بسیار افتخار آمیز تر از این هاست که با ادعاهای پوچ رحمان حسین زاده لطمه ای بخورد.

فراموش نکرده ایم که همفکران و هم مکتبان او چگونه با دروغ سر هم کردن دادن اسلحه توسط کومه له به اتحاد میهنی برای فتح کرکوک شروع به راپورت دادن و گزارش دهی کردند تا بلکه بار دیگر تشکیلات کومه له مورد هجوم رژیم بعث عراق واقع شود.

این سیاست های انحرافی حکمتیست ها و مصاحبه های رهبران این جریان در تلویزیون ها و روز نامه ها و نشریات خودی بود که موجب گردید ارتباط تشکیلاتی بعضی از رهبران جنبش چپ دانشجویی را بر ملا و آشکار کند که در تربیون مارکسیسم به طور دقیق و واضح به آن اشاره شده و لازم نمیدانم یک بار دیگر این مسائل را تکرار کنم ولی یک بار دیگر متن مصاحبه ها را برای یاد اوری میاورم و میخواهم صادقانه و واقع بینانه قضاوت شود که آیا این خود حکمتیست ها نبودند که با هدف مطرح کردن حزب خود و با اتخاذ تاکتیکهای انحرافی شان باعث شدند این نوع ارتباط های تشکیلاتی را به درون بر ملا ساختند، این متن مصاحبه های رهبران اپورتونیست حکمتیست ها میباشد .

**" فواد عبداللهی : دوست و دشمن میگویند که حکمتیست ها دانشگاه ها رادر کل کشور قرق کرده اند. نظرتان در این مورد چیست؟"**

بهرام مدرسی : طبعاً خوشحالم که دوست و دشمن این را میگویند... فکر میکنم هر کسی که خودش را چپ یا کمونیست میداند، نمیتواند سروکارش با حکمتیست ها نیافتد... حکمتیسم از سرو کول دانشگاه های کل کشور دارد بالا میرود و این هم شورانگیز است...

همانطور که بهرام مدرسی گفت حزب ما از نظر تاریخی در حدود ده ماه پیش تشکیل شد اما امروز یک واقعیت موجود فکری ، سازمانی و به خصوص اجتماعی است . یکی از نقاطی که این موجودیت محسوس است کانونهای فکری چپ و کمونیست در دانشگاههای ایران است . این به همت سازمان جوانان حکمتیست ممکن شده است . به همت کار همه رفقا چه در خارج و چه به خصوص در داخل کشور . این رفقای خوب ما تلاش کردند که تمایز خط مارکسیزم ، لنینیزم و حکمتیسم را از آنچه چپ سنتی به آن کمونیسم و کمونیسم کارگری می گوید نشان دهد ... "

{ کوروش مدرسی ، سخنرانی در اولین کنگره سازمان جوانان حکمتیست }

در هفته گذشته جنبه ارتجاع قومی و ناسیونالیستی در ابعاد وسیع گشوده شد. اما این تنها جنبه نبود. از اعتراض دانشجویان در دانشگاههای تهران تا اعلام حضور گارد آزادی در مهاباد اعلام وجود جنبه آزادیخواهی و انسانیت و وجود جنبه مبارزه قاطع برای سرنگونی جمهوری اسلامی است ... "

"... احیای این امید و ارائه این تصویر بدون دخالت گری روشن حکمتیستها در 16 آذر و 8 مارس و اول مه و اعتصاب عمومی مردم کردستان و حضور رهبران کمونیست و گارد آزادی در میان مردم و دهها فعالیت و کمپین موفقی همچون کمپین زیلا و بختیار و آزادی برهان دیوارگر و مقابله با مضحکه انتخابات جمهوری اسلامی و پیشرویهای نظری در انجمن مارکس - حکمت و حضور موثر در کانونهای فکری دانشگاهها و ارائه منشور سرنگونی ممکن نبود..."

{ رحمان حسین زاده عضو رهبری جریان حکمتیست ، بر گرفته از وبلاگ شخصی وی <http://www.rahman->

{ [h.blogfa.com/8507.aspx](http://h.blogfa.com/8507.aspx) }

- " ... حکمتیستها در ۱۶ آذر سال گذشته دوباره با برافراشتن پرچم آزادی و برابری، امیدها را احیا کردند. از نظر ما مسئله اینست که جنبش و حزب ما دو حوزه فعالیتی داخل و خارج را با يك رهبری مشترک دارد... "

خوب حالا هر انسان واقع بین و با درکی که این حرف ها را از زبان به قول خودشان لیدرهای حکمتیست بشنود چه تحلیلی از این حرفها برای خود دارد آیا این ما هستیم که دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب را به حکمتیست ها ربط میدهم و با اطلاعات رژیم همسوی داریم یا این خود لیدرهای اپورتونیست و منحط حکمتیست هستند که ابلهانه با در غیغب انداختن دروغ پردازی میکنند؟ اینها خود از عاملین اصلی بهانه دادن دست رژیم ارتجاع برای سرکوب و دستگیری های قبل و بعد از برگزاری مراسم 13 آذر هستند .

هر چند، وقایع 13 آذر از یکسو باعث عقب نشینی جنبش چپ دانشجویی و ضربه خوردن آن شد، اما از سوی دیگر با بازنگری در آن و دوری کردن از گرایشات اپورتونیستی و سکتاریستی انحرافی ضد اخلاقی و با ایجاد رویکردی زمینی و واقعی می تواند نقطه عطفی در برآمد گرایش سوسیالیستی جنبش دانشجویی باشد. نباید اجازه داد جنبش دانشجویی یکبار دیگر ابزار دست جریانان پا در هوایی مثل حکمتیست ها قرار گیرد. نباید اجازه دهیم جنبشی که می تواند در خدمت پیشرفت مبارزه طبقاتی جامعه باشد، در راستای اهداف فرصت طلبانه مورد سواستفاده قرار گیرد.

در آخر باید اعلام کنم که دکانی که حکمتیست ها باز کرده اند نمیتواند با درست کردن جو و فضای غیر سیاسی و ضد کمونیستی در درون جنبش گن کاری های خود را کتمان و پنهان دارد این گن کاری ها فقط با انتشار این مقاله در تریبون افشا نشده است بلکه مدتهاست در میان جنبش های اجتماعی بخصوص جنبش چپ دانشجویی افشا شده و مورد نقد هم قرار گرفته و قرار خواهد گرفت .

کمونیستها هیچ وقت از ابراز عقاید و نظرات خود با کی نداشته اند ما نان را به منزله روز نمیخوریم ما هر سیاست و تاکتیک غیر کمونیستی و ضد مارکسیستی را پنهان نخواهیم کرد بلکه در هر شرایط و موقعیتی از اصول کمونیسم و مارکسیسم دفاع خواهیم کرد و انحراف، اپورتونیسم و فرمیسم در درون جنبش چپ رو افشا و بر علیه اش مبارزه میکنیم .

دانشجویان و توده های مردم بسیار هشیار تر و آگاهتر از آن هستند که دنبال جریان پرت و پلا و پا در هوایی مثل حکمتیست ها بروند در دکانتان را ببندید و دنبال کارتان بروید و بیش از این با افکار مالیخولیایان به جنبشها و انسانهای مبارز لطمه وارد نکنید .توان خرابکاری هایتان را خودتان باید بدهید نه کومه له و حزب کمونیست ایران .